تبدیل ارض به خبز نقی

شاگرد: در جلسه آخر سال گذشته آیه «یوم تبدل الارض» مطرح شد، بعد هم «ال شیة فیها» مطرح شد. بعد آن حدیث «ای تبدل خبزا تاکله الناس» را مطرح فرمودید. ما چیزی نفهمیدیم چطور «تبدل» اتفاق افتاد.

استاد: بخاطر مطالبی که حضرت علیه السلام راجع به صلوات فرمودند، یک بحثهای لغوی صورت گرفت. بحثهایی که مربوط بود و به مناسبت، روایتی که در کافی شریف در باب «معنی السلام» بود را، آوردم و در دو جلسه، بحث کردیم. تأکید من این بود که قدر این روایت را بدانیم. مرتب تکرار کنیم. هر دفعهای که میخوانید، با سعهای که از معلومات جدید دارید، یک چیز جدیدی بفهمید. اصل مقصود بنده، این بود، لذا الآن در شدم. چون مقصود من در سفارش کردن اتفاق افتاد. حالا اگر نکتهای در هر بخشی میخواهید افاده کنید، برمیگردیم. شاهدش هم این است که الآن برای بحث صلوات پنج کتاب در اینجا گذاشتهام تا اگر کسی مایل بود، برگردیم و آن را ادامه بدهیم. بنده این کتابها را آوردهام. هم مرآة العقول و هم کافی را آوردهام. ولی برای اینکه طول نکشد جلو رفتم.

شاگرد: در «تبدل خبزا» ظاهراً نکتهای داشتید. اگر بفرمایید خوب است.

استاد: عرض کردم این از احادیثی است که هر کسی میشنود، از حیث مفاد حالت اعجاب برایش دارد.

آیه شریفه میفرماید: «**يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمٰوٰتُ وَبَرَزُوا لِلّٰهِ الْوٰحِدِ**»[1]. ای آن آیه شریفه میفرماید: «**يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ**

يَوْمَ التَّلَاقِ يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ»[2] اینجا هم دارد: «**يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمٰوٰتُ وَبَرَزُوا لِلّٰهِ الْوٰحِدِ الْقَهَّارِ**»؛ مضمون خود آیه هم، خیلی عجیب است. «تبدل و برزوا» کما اینکه در آنجا هم دارد: «**لایخفی علی اللّٰه منهم شیء**». اینها سؤالات دم دستی است که صغیر و کبیر، فوری از این آیات، به ذهنشان میآید. آن سؤال چیست؟؛ خیلی واضح است. شبیه «مالک یوم الدین» ای «ملک یوم الدین» است. ولی همین سؤال واضح که برای همه میآید، به گمانم با «تبدل خبزا تاکله النّاس» در ارتباط باشد. این ارتباطی که منظور بنده بود، به این معنا نیست که ما بلد باشیم و وارد بحثش بشویم. اولین قدم برای اینکه سراغ چیزی برویم، این است که یک سؤال درست، در ذهن ما، مطرح شود. «الانسان متعجب»؛ چرا تعجب مختص انسان بود؟؛ در منطق میگفتیم که تعجب، فصل انسان نیست، ولی خاصه انسان است و در غیر انسان، تعجب نیست. رمز تعجب چیست؟؛ شاید رمز تعجب، پشتوانه معرفتی انسان به تناسبها و نسب است که حیوانات آن را ندارند. چون انسان نسب و روابط را با عمق و باطن عقلانیتش درک میکند، تعجب، لازمه آن است. یعنی گاهی نسبها را صاف نمیداند. لذا تعجب برای این است که در باطنش درک واقعیت آن نسبت هست. تعجب، مقدمه این است که آن را ببیند چطور است. «تعجبت منه».

---

[۱]. ابراهیم، آیه‌ی ۴۸.

[۲]. الغاف، آیات ۱۵ و ۱۶.

بازبینی #3
ایجاد شده 7 نوامبر 2024 15:25:34 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 نوامبر 2024 12:46:04 توسط ... .